



مجله گامنامه

شماره ۵ - ۱۳۹۱

- جغرافیای نوری
- برگزاری جشن پیروزی انقلاب
- معرفی یک کشور : فلسطین



کلاس های درسی دانشجویان خارجی





فهرست مطالب

۲ سرمقاله
۳ جغرافیای جشن نوروز
۶ خاطرات نوروزی
	برگزاری جشن پیروزی انقلاب ویژه دانشجویان غیر ایرانی دانشگاه های استان
۶ فارس به همراه نمایشگاه ملل
۷ ضرب المثل های ملل
۸ یادی از شوریده شوراننده جهان ادب
۹ معرفی یک کشور: فلسطین
۱۱ نوروز در شرق آفریقا

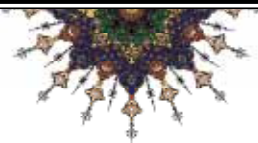
صاحب امتیاز: دفتر امور بین الملل و سرپرستی

دانشجویان غیر ایرانی دانشگاه شیراز

تلفن: ۰۷۱۱-۶۴۶۰۴۳۰

دورنگار: ۰۷۱۱-۶۲۸۶۴۴۶

Email: Suiro@shirazu.ac.ir



مقاله



به بهانه ولادت و شهادت

حضرت فاطمه زهرا (س)

زندگی بانوی بزرگ اسلام با آنکه در جوانی به خزان گرایید، اما در همان دوران کوتاه درس های فراوانی برای پیروان حضرتش بجا گذاشت. یکی از این آموزه ها که سراسر عمر پربرکت فاطمه زهرا (س) یک صدا و همسو آن را فریاد می کرد، احتمال و جدیت نسبت به دین بوده است.

مظلومیت با همه بخش های زندگی صدیقه طاهره (س) پیوند خورد، بویژه حوادث دوران پس از رحلت پیامبر اکرم (ص) که همچون تندبادی بر آن یاس نبی وزید و منجر به شهادت دردناک و غم آور آن ریحانه رسول گردید، اما همین مظلومیت های پیوسته نیز همگی یک جهت رانشان می دهد و آن سوی دینداری و پایداری به پای دین اصیل است.

در شرایطی که جو سنگین حاکم بر مدینه نفس را در سینه ها خفه می کرد، دختر پیامبر (ص) حقایق رادر چهره مسلمانان نهیب زد: «ای بندگان خدا شما پرچمداران امر و نهی و حاملان دین و وحی او هستید، شما امانتداران خدا بر خویش تن بوده و مأمور رسانیدن دین او به ملل دیگر می باشید...»

به سوی شما از میان خودتان پیامبری آمد که رنج و ناراحتی شما بر او دشوار بود و برایمان آوردن شما حرص می ورزید و به مؤمنین دلسوز و مهربان بود...

و هنگامی که خداوند تعالی خانه جاودانه انبیاء و جایگاه برگزیدگان را برای پیغمبرش اختیار نمود، کینه های درونی و نفاق شما ظاهر گشت و جامه دین مندرس و فرسوده شد، گمراهان خاموش به سخن درآمدن و گمراهان فرومایه دعوی نبوغ کردند.

زنگ شتر باطل گرایان به صدا درآمد و صحن خانه ها جولان نمود. شیطان از کمین گاه خود و درحالی که شما را به سوی خود می خواند سرکشید و دید که چه زود دعوتش را پذیرفتند...

کجا می روید در حالی که کتاب خدا پیش روی شماست. کتابی که مطالب و امورش هویدا و احکامش درخشان و نشانه هایش روشن و نوازش آشکار و اوامرش واضح است و شما آن را پشت سر خود انداخته اید؟ آیا قصد اعراض از قرآن را دارید و یا به غیر قرآن می خواهید دآوری کنید. و حکم غیرقرآن برای ستمکاران چه بد جزایی است! و هرکه جز اسلام دین دیگری اختیار کند از او پذیرفته نشود و در قیامت جزء زیانکاران خواهد بود. »



جغرافیای جشن نوروز



جشن ایرانی نوروز امروزه در بسیاری از مناطق جهان به عنوان جشن رسمی برگزار می شود. نوروز را در بیشتر کشورهای خاورمیانه، آسیای میانه، قفقاز، شبه قاره هند و بالکان جشن می گیرند.

جغرافیای پهناور نوروز و همزمانی آن با بهار طبیعت در نیمکره شمالی و پیشینه باستانی آن و تأکید این جشن بر نعدوستی و مهرورزی در میان جهانیان، باعث توجه سازمان ملل و دیگر کشورها به نوروز شد. همچنین همایشی با نام جشن جهانی نوروز پدید آمده است که در آن سران کشورهایی که نوروز را جشن می گیرند گردهم می آیند و این آیین باستانی را گرامی می دارند. در برخی جاها نیز با وجود رسمی نبودن هر ساله شمار زیادی از مردم این جشن ایرانی را برگزار می کنند. همانند سوریه که جشن نوروز نزد کردهای ساکن سوریه از اعتبار و احترام ویژه ای برخوردار است. این جشن امروزه یکی از جشن های بنیادین آسیا شناخته می شود. نوروز در ۹ کشور ایران، افغانستان، تاجیکستان، ازبکستان، ترکمنستان، قزاقستان، قرقیزستان، آذربایجان و آلبانی با همین نام تعطیل رسمی است.

نوروز (جشن گل سرخ) در افغانستان

نوروز در افغانستان یا به عبارتی در بلخ و مرکز آن مزار شریف هنوز به همان فر و شکوه پیشین برگزار می شود. در روزهای اول سال همه دشت های بلخ و دیوار و پشت بام های گلی آن پر از گل سرخ می شود گویی بلخ سیدی از گل سرخ است یا به عبارتی مانند اجاق بزرگی که در آن لاله می سوزد. این گل فقط در بلخ به وفور و کثرت می روید و از این رو جشن نوروز و جشن گل سرخ هر دو به یک معنی به کار می رود. در اولین روز عید نوروز علم امام علی با مراسم خاص و با شکوهی در صبح آن روز برافراشته می شود. با افراشته شدن آن جشن نوروز نیز رسماً آغاز می شود و تا چهل شبانه روز ادامه می یابد و در این چهل شبانه روز حاجتمندان و بیماران برای شفا در پای این علم مقدس به چله می نشینند. گفته شده بسیاری از بیماران لاعلاج در زیر همین علم شفا یافته اند. مردم این سرزمین بر این باورند که اگر برافراشته شدن علم به آرامی و بدون لرزش و توقف از زمین بلند شود سالی که در پیش است نیکو و میمون است. از آیین و رسم نوروزی در سرزمین بلخ می توان به شستشوی فرش های خانه و زدودن گرد و غبار پیش از آمدن نوروز و انجام مسابقات مختلف از قبیل بزکشی، شتر جنگی، شتر سواری، قوچ جنگی و کشتی خاص این منطقه اشاره نمود. نوروز در ترکیه عثمانیان یا مردم ترکیه امروز عید نوروز را به عنوان یکی از معدود ایام جشن می گرفتند. در این روز حکیم باشی معجون مخصوصی که (نوروزیه) نامیده می شد جهت پادشاهان و درباریان تهیه می نمود که گفته شده است این معجون از چهل نوع ماده مخصوص تهیه می شده است که شفابخش بسیاری از بیماری ها و دردها بوده و باعث افزایش قدرت بدنی می شده است. مردم این سرزمین نوروز را آغاز بهار طبیعت و شروع تجدید حیات و طراوت در جهان و برخی روز مقدس در مقابل شب قدر و شب براءت و برخی عامل اتحاد و همبستگی و حتی آن را زادروز امام علی و تعیین ایشان به خلافت و سالروز ازدواج ایشان با فاطمه دانسته اند.

نوروز در مناطق کردنشین عراق، ترکیه و سوریه

موسی آنتر نویسنده کرد معتقد است که قبلاً جشن نوروز در میان کردها در ۱۳ ماه آگوست برگزار می شده است اما با قبول اسلام و پذیرش تقویم اسلامی این جشن به فروردین منتقل شده است.

کردهای ترکیه سال ها برای به رسمیت شناخته شدن نوروز در این کشور تلاش کردند.

نوروز از اعیاد ملی کردها محسوب می شود. در شهرهای جنوب شرقی ترکیه، شمال سوریه و جنوب عراق، نوروز مراسم باشکوهی دارد که بیشتر نماینده و منعکس کننده فولکلر مردم آن نواحی است. از ویژگی های آن یکی نواختن پر سر و صدای سورنا و دهل و دیگری ایراد سخنرانی های آتشین در کنار کپه های آتش است. این آیین ها در میدان های بزرگ و





اصلی شهرها و روستاها برگزار می گردد و جمعیت انبوهی از زن و مرد، در حالی که دست هم را می گیرند، به دور کپه های آتش به رقص و پایکوبی می پردازند. در خانه ها پختن شیرینی های خانگی و غذاهای خاص نوروز از سنت های دیگر مراسم نوروزی است.

نوروز در تاجیکستان

جشن نوروز برای مردم تاجیکستان بویژه بدخشانیان تاجیکستان جشن ملی نیاکان است و از آن به عنوان رمز دوستی و زنده شدن کل موجودات یاد می کنند و به نام

خیدیر ایام یعنی جشن بزرگ معروف است. مردم تاجیکستان به ویژه بدخشانیان تاجیک در ایام عید نوروز خانه را پاک کرده و به اصطلاح خانه تکانی می کنند، همچنین ظروف خانه را کاملاً شسته و تمیز می کنند تا گردی از سال کهنه باقی نماند و برابر رسم دیرینه نوروز قبل از شروع عید نوروز بانوی خانه وقتی که خورشید به اندازه یک سر نیزه بالا آمد دو جارو را که سرخ رنگ است و در فصل پاییز از کوه جمع آوری کرده اند و تا جشن نوروز نگاه داشته اند در جلوی خانه راست می گذارند. چون رنگ سرخ برای این مردم رمز نیکی و پیروزی و برکت است. پس از طلوع کامل خورشید هر خانواده های می کوشد هر چه زودتر وسایل خانه را به بیرون آورده و یک پارچه قرمز را بالای سر در ورودی خانه بیاویزد که این معنی همان رمز نیکی

و خوشی ایام سال را در داخل خانه مرتب چیده و با باز کردن در و پنجره به نوعی هوای نوروزی و بهاری را که معتقدند حامل برکت و شادی است وارد خانه نماید. در این سرزمین پختن شیرینی ویژه و غذاهای متنوع جزء رسم و رسوم این ایام است، همچنین برگزاری مسابقاتی از قبیل، تاب بازی، تخم مرغ بازی، کبک جنگی، خروس جنگی، بزکشی، کشتی محلی نیز در این ایام به شادی آن می افزاید و یکی از غذاهای معروف این ایام باج نام دارد در این غذا کله پاچه گوسفند را با گندم پخته و دیگران را با آن مهمان می کنند.



نوروز در آذربایجان

مردم جمهوری آذربایجان به واسطه اعتقادات شدید به آیین و مراسم نوروز برای با شکوه تر انجام شدن جشن نوروز برای این مراسم تدارک ویژه های می بینند. از قبیل: سرودن ترانه ها پیش از نوروز، تدارک بساط شادی ایام نوروز، تهیه لوازم و مواد مورد نیاز سفره هفت سین، تهیه چمستان های نوروزی، ستایش و نفرین های نوروزی، پند و امثال نوروزی، اعتقادات نوروزی، عادات نوروزی، تماشای نوروزی، آزدنی های نوروزی و انجام آیین و مراسم نوروزی. سفره هفت سین جمهوری آذربایجان همانند ایران از هفت عنصری که نامشان با حرف سین شروع می شود، تشکیل شده است. با این تفاوت که اسامی بر اساس نام آن ها در ترکی آذری انتخاب می شوند. البته این تفاوت چندان تغییری در سفره ایجاد نمی کند چرا که اسامی بیشتر این عناصر در ترکی و فارسی یکسان است. ضمن اینکه این سفره در مناطق مختلف آذربایجان به صورت های مختلفی تهیه می شود. سفره هفت سین آذربایجانی معمولاً از عناصر زیر تشکیل شده است:

سوماق، نشانه آفتاب سکه، نشانه شانس سمنو، شیرینی، برکت و حاصلخیزی سبزه، خلوص و خوشبختی ساری کوک (زردچوبه)، شیرینی زندگی سوئ (شیر)، سلامتی و زیبایی سو (آب)، تولد تازه و زندگی ممکن است به جای زردچوبه و شیر از سرکه و ساریمساق (سیر) نیز استفاده گردد. علاوه بر این در سفره آینه ای که دور آن رنگ آمیزی شده است قرار می دهند.

نوروز در قزاقستان

نوروز برای قزاق ها بسیار مقدس بوده و اگر در این روز باران یا برف بیارد آن را به فال نیک گرفته و معتقدند سال خوبی پیش رو خواهند داشت. در عید نوروز مردم لباس نو و سفید به تن می کنند که نشانه شادمانی است. دید و بازدید اقوام در این ایام با زدن شانه ها به یکدیگر از آیین و رسوم مردم قزاق در ایام عید نوروز می باشد، همچنین پختن غذایی به نام نوروز گوژه (کوژه = آش) که تهیه آن به معنی خداحافظ با زمستان و غذاهای زمستانی است و از هفت نوع ماده غذایی تهیه می شود در این ایام جزو آیین و رسوم این سرزمین می باشد. مسابقات معروفی نیز در ایام نوروز در قزاقستان برگزار می شود که از مهم ترین آنان می توان به (قول توزاق) اشاره نمود که بین گروه های مرد و زن برگزار می شود. اگر برنده زن ها باشند قزاق ها



معتقدند آن سال خوب و پربرکتی است اگر مردها پیروز شوند آن سال نامساعد خواهد بود. از دیگر مسابقات می توان به کوکپار برداشتن بز از مکانی مشخص توسط سواران، آودار یسپاق، قیزقوو و آلتی باقان اشاره نمود. در عصر نوروز نیز مسابقه آیتیس آغاز می شود که مسابقه شعر و شاعری است.

نوروز در ترکمنستان

در کشور ترکمنستان طبق رسم قدیم و جدید دوبار در سال جشن نو گرفته می شود. یکی از این جشن ها با استناد به تقویم میلادی که به تایید سازمان ملل رسیده به عنوان جشن بین المللی (سال نو) شناخته می شود و دیگری برگزاری عید نوروز به نشانه احیای دوباره آداب و رسوم دیرینه مردم ترکمنستان است. مردم ترکمنستان عقیده دارند زمانی که جمشید به عنوان چهارمین پادشاه پیشدادیان بر تخت سلطنت نشست آن روز را نوروز نامیدند. مردم ترکمنستان در این ایام با پختن غذاهای معروف نوروزی مانند: نوروز کجه، نوروز بامه، سمنی (سمنو) و اجرای بازیهای مختلف توسط جوانان ترکمن حال و هوای دیگری به این جشن و شادی می دهند. در ایام نوروز مسابقات مختلفی در ترکمنستان برگزار می شود که میتوان به مسابقات اسب دوانی، کشتی، پرش برای گرفتن دستمال از بلندی، خروس جنگی، شاخ زنی میش ها، شطرنج بازی، مهره بازی، تاب بازی اشاره نمود. دید و بازدید در ایام نوروز در میان مردم ترکمن از جایگاه و منزلت خاصی برخوردار می باشد.

نوروز در قرقیزستان

عید نوروز در قرقیزستان تنها یک روز آن هم در روز اول یا دوم فروردین ماه است که به ۲۹ روز یا ۳۰ روز بودن اسفند بستگی دارد. اگر اسفند ۲۹ روز باشد اول فروردین و اگر ۳۰ روز باشد در روز دوم فروردین برگزار می شود. تا قبل از فروپاشی شوروی سابق این مراسم به دست فراموشی سپرده شده بود ولی پس از فروپاشی دوباره حیات یافت و هر ساله با شکوه تر از سال قبل برگزار می شود. مراسم جشن این روز را در شهرها دولت تدارک می بیند و در روستاها بزرگان و ریش سفیدان در برگزاری آن دخالت دارند. در شهرها در میادین بزرگ و در روستاها در بیابان های اطراف این جشن برگزار می شود. در قرقیزستان در این روز پختن غذاهای معروف قرقیزی مثل (بش بارماق) مانته برسک و کاتما مرسوم است که به صورت رایگان بین حاضران در جشن پخش می شود. در قرقیزستان در این روز افزون بر جشن برگزاری یکسری مسابقات از قبیل سوارکاری و غیره نیز مرسوم است و به گونه چشمگیری در این روز مسابقات دنبال میشود و جوایز ارزندهای به نفرات برتر داده می شود.

نوروز در پاکستان

در پاکستان نوروز را عالم افروز یعنی روز تازه رسیده که با ورود خود جهان را روشن و درخشان می کند می نامند. در میان مردم این سرزمین تقویم و روز شمار و یا سال نمای نوروز از اهمیت خاصی برخوردار است. بدین جهت گروه ها و دسته های مختلف دینی و اجتماعی در صفحات اول تقویم های خود به تفسیر و توضیح نوروز و ارزش و اهمیت آن می پردازند و این تقویم را در پاکستان (جنتری) می نامند. از آداب و رسوم عید نوروز در میان مردم پاکستان میتوان به خانه تکانی و یا به عبارتی پاکیزه کردن خانه و کاشانه و پوشیدن لباس و تهیه نمودن انواع شیرینی مثل (لدو) گلاب حامن، رس ملائی، کیک، برفی، شکرپاره، کریم رول، سوهن حلوا، و همچنین پختن غذاهای معروف این ایام و عیدی دادن و گرفتن و دید و بازدید اقوام اشاره نمود. در ایام نوروز مردم پاکستان از گفتار نامناسب پرهیز نموده و با نواختن و نوازش یکدیگر با احترام و اخلاص یکدیگر را نام می برند. همچنین سرودن اشعار نوروزی به زبانهای اردو، دری و عربی در این ایام مرسوم است که بیشتر در قالب قصیده و غزل بیان می شود. پاکستانی ها بر این باورند که مقصد نوروز، امیدواری و در امن و صلح و آشتی نگهداشتن جهان اسلام و عالم انسانیت است تا آنجا که آزادی و آزادگی، خوشبختی و کامیابی، محبت و دوستی و برادری و برابری همچون بوی خوش گلهای بهاری در دل و جان مردمان جایگزین می گردد.

نوروز در زنگبار

در زمان های کهن گروه بزرگی از شیرازیان به زنگبار در کرانه های شرقی قاره آفریقا کوچیدند و آیین های ایرانی مانند نوروز را نیز با خود به همراه بردند. جشن نوروز در زنگبار «نوروزی» نامیده می شود و هنوز جشنی شناخته شده است.

نوروز در مصر

قبطیان مصر نیز جشنی سالانه بهنام نیروز دارند که به عربی به آن النیروز می گویند. این جشن هر سال در اول پائیز برگزار می شود و روز آغاز سال در تقویم قبطیان است. در مورد سابقه این جشن برخی معتقدند که یادگاری از دوره تسلط هخامنشیان بر مصر است، اگر چه خود قبطیان آن را مربوط به مصر باستان می دانند.



خاطرات نوروزی



نوروز در ایران و برخی کشورهای دیگر عید و شادمانی است. اما برای ما دانشجویان خارجی دانشگاه شیراز که در نوروز ۱۳۹۱ در خوابگاه مفتاح اقامت داشتیم چیز دیگری بود. طبق معمول از ۲۶ اسفند هر سال به بعد خوابگاه تعطیل می شود همه دانشجویان با شور و شادمانی به سمت خانه خود به پذیرایی بهار می روند. سیستم گرمایشی خاموش، سیستم آبرسانی خاموش، همه راهروها قفل انداخته می شود، جز طبقه چهارم (طبقه ای که خارجیان اقامت دارند). سکوت همه خوابگاه را فرا گرفته بود و هوای سردی بود. جز چند تا نگهبان و ما بودیم و بس، که از شب هشتم باران تند همراه با باد سرد شروع شد. و شب خیلی سردی را گذرانیم. طوری که هر چه پتو داشتیم کفایت نمی کرد. فردا که بیرون رفتیم نگهبان ها به سوی من خیره شد یک آهی کشید، آه شما را هنوز باد نبرده، چون دیشب خیلی باد تند همراه با باران تند و سرد جریان داشت. در این هنگام به یکی از مسئولین تأسیسات گفتم اگر می شود سیستم گرمایشی طبقه چهارم را برای ما روشن کنید چون هوا خیلی سرد است. گفت نه متأسفم ما اجازه نداریم که برای یک طبقه سیستم را روشن کنیم. باید با مسئول خوابگاه هماهنگ شوم. ناگهان یادم آمد که ما خانواده ای از دانشجویان خارجی به سرپرستی سرکار خانم فرهمند فر هستیم. این بود که به خانم فرهمندفر زنگ زدم و او را در جریان گذاشتم این بود که از سرما نجات یافتیم؛ و بعد از دو ساعت برای ما یک هیتر فرستاد. جهانی سپاس خانم فرهمند فر

برگزاری جشن پیروزی انقلاب ویژه دانشجویان غیر ایرانی دانشگاه های استان فارس به همراه نمایندگان

آیین جشن پیروزی انقلاب ویژه دانشجویان غیر ایرانی با حضور مدیرکل امور دانشجویان داخل و رئیس شورای بورس دانشجویان غیر ایرانی؛ مسؤول بخش فرهنگی و دانشجویی سفارت افغانستان و مسؤولان و رؤسای دانشگاه های استان فارس در تالار شهید دستغیب مجتمع فرهنگی رفاهی دانشگاه شیراز برگزار شد.

دکتر سید سعید زاهد زاهدانی در این مراسم گفت: امروز تفکر انقلاب اسلامی ایران در مقابل تفکر مستکبران و زورگویان عالم ایستاده است و انشاءالله روز به روز به موفقیت های بیشتری دست میابد.

مشاور و مدیر حوزه ریاست و روابط بین الملل دانشگاه شیراز ادامه داد: دانشجویان غیر ایرانی در حقیقت سفیرانی برای فرهنگ و تفکر جمهوری اسلامی ایران در تمام دنیا هستند. وی با اشاره به توانمندی ها و ظرفیت های فراوان دانشگاه شیراز اظهار داشت: برگزاری چندین دوره دانش افزایی زبان فارسی، نمونه ای از تلاش دانشگاه شیراز برای گسترش ارتباط با دانشجویان و فرهیختگان غیر ایرانی است.

دکتر محمدهادی ایمانیه هم گسترش علم و دانش را زمینه ساز توسعه و تمدن برشمرده و خاطر نشان کرد: تمدن اسلامی در مقابل تمدن غربی در حال شکل گیری است.

رئیس دانشگاه علوم پزشکی شیراز افزود: دانشمندان کشور اسلامی ما در مرزهای علم و دانش در حال حرکت هستند و ترس دشمنان از پیشرفت های علمی باعث شده است که دست به ترور آنان بزنند. وی ادامه داد: هم اکنون ۶۰ دانشجوی غیر ایرانی در رشته های مختلف در دانشگاه علوم پزشکی شیراز مشغول به تحصیل هستند و در آینده تعداد این دانشجویان افزایش می یابد.

دکتر مجتبی بدرافشان مقدم نیز گفت: با تلاش و پشتکار استادان و دانشجویان این مرز و بوم، سرعت رشد علمی ایران پیشرفت چشمگیری داشته و دستیابی به فناوری هسته ای، نانو تکنولوژی، زیست فناوری، نانو داروها و دانش سلول های بنیادی گوشه ای از این پیشرفت هاست. مدیرکل امور دانشجویان داخل و رئیس شورای بورس دانشجویان غیر ایرانی با بیان اینکه قبل از پیروزی انقلاب، کمتر از ۴۰۰ دانشجوی غیر ایرانی در کشور حضور داشتند، تصریح کرد: هم اکنون افزون بر ۱۴ هزار دانشجوی غیر ایرانی از ۹۲ کشور جهان در دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی کشورمان به تحصیل مشغولند که نشان از رشد چندین برابری دارد. دکتر بدرافشان افزود: با توجه به توانمندی های دانشگاه های داخل و طی یک برنامه ۵ ساله، تعداد دانشجویان غیر ایرانی به ۲۵ هزار نفر افزایش خواهد یافت.

در این برنامه که به همت امور بین الملل و دفتر سرپرستی دانشجویان غیر ایرانی دانشگاه شیراز برای نخستین بار در کشور



اجرا گردید، دانشجویان از کشورهای مختلف طی سخنانی، دیدگاه های مردم خود را از انقلاب اسلامی ایران بیان نمودند. اجرای سرودهای عربی و افغانی توسط دانشجویان؛ پخش کلیپ انقلاب اسلامی و اجرای مسابقات فرهنگی از بخش های مختلف جشن یاد شده بود. در حاشیه جشن پیروزی انقلاب، نمایشگاه ملل در طبقه فوقانی تالار شهید دستغیب توسط مسؤولان حاضر گشایش یافت. این نمایشگاه توسط دانشجویان غیر ایرانی از ۹ کشور افغانستان، تاجیکستان، عراق، سوریه، یمن، فلسطین، لبنان، سودان و ژاپن برپا شده و فرهنگ و تمدن این کشورها را به نمایش گذاشته بود. نمایشگاه ملل از روز هجدهم تا بیستم بهمن ماه جاری جریان داشت و بازدیدکنندگان اعم از مردم عادی و دانشگاه در روزهای یاد شده از غرفه های مختلف آن بازدید نمودند. گفتنی است ۱۸۰ دانشجو از ده کشور جهان در دانشگاه های استان فارس مشغول به تحصیل هستند.

نمایشگاه ملل

خاک هر کشوری مهد شکوفایی و تمدن مردمی است که هویت تاریخی و جمعی خویش را در آن می یابند. و بالندگی و سربلندی کشورشان، مایه افتخار و غرور آن ملت است. بدون شک هر شخصی یادگار و محصول هویت جمعی و تاریخی ملتی است که فرهنگ، ملیت، هویت و شخصیت خویش را در آن می یابد. از این رو وابستگی عمیق و تنگاتنگی میان خود و کشورش احساس می کند. پیشرفت و سربلندی کشورش را مایه پیشرفت و سربلندی خود می داند و تحقیر و عقب ماندگی سرزمینش را مایه ننگ و خواری خود می پندارد، شخصیت ها و افتخار آفرینان ملتش را عزیز و گرامی می دارد و دشمنان ملتش را دشمن خود می خواند. از این رو همواره در تلاش است تا در جهت اعتلا و سربلندی ملتش بکوشد و در این راه از هیچ سعی و تلاشی مضایقه نمی کند. همگام با سالگردانقلاب اسلامی ایران به عنوان انفجار نور در ظلمت زور و ستمگری و راهگشای بیداری ملل در قرن حاضر و پیام آور استقلال، آزادی و عزت انسان دفتر سرپرستی دانشجویان غیر ایرانی دانشگاه شیراز به یاری دانشجویان کشورهای مختلف که برای کسب فریضه علم و دانش ترک وطن خویش کرده اند؛ گرد یکدیگر آمدند و در برپایی نمایشگاهی فرهنگ و تاریخ کشورهای مختلف را به نمایش بگذارند تا در کنار فریضه کسب علم و دانش، رسالت خویش را به عنوان سفیران کشورهای خود به انجام رسانند. نمایشگاهی با حضور دانشجویان با ملیت های مختلف در دانشگاه و شهر شیراز.

در تاریخ ۱۸ بهمن ماه ۱۳۹۰ نمایشگاهی با عنوان «نمایشگاه ملل» به همت و ابتکار دفتر سرپرستی دانشجویان خارجی دانشگاه شیراز با حضور دانشجویانی از کشورهای افغانستان، تاجیکستان، یمن، لبنان، سودان، سوریه، فلسطین، عراق و ژاپن به مدت سه روز در مجتمع فرهنگی رفاهی دانشگاه شیراز به مناسبت دهه فجر برپا شد. این نمایشگاه شامل انواع مختلفی از صنایع دستی مانند انواع لباس و پوشش های سنتی، پرده های سنتی، گلیم، قالیچه، انواع فرش های سنتی، غذاهای سنتی و نمایش فیلم و عکس از مکان های دیدنی، باستانی، تاریخی، توریستی و آثار گنجینه تمدنی کشورهای شرکت کننده در نمایشگاه بود که با استقبال خوب و کم نظیر مردم و مسئولان مواجه شد. گفتنی است این نمایشگاه طلیعه دار امر دایر کردن نمایشگاه با حضور دانشجویان خارجی در استان فارس می باشد که جا دارد همین جا از تمامی دست اندرکاران و عاملان این امر مهم مخصوصاً از دانشگاه شیراز و دفتر سرپرستی دانشجویان خارجی دانشگاه شیراز و دانشجویان غیر ایرانی شاغل به تحصیل در دانشگاه های استان فارس تقدیر و تشکر به عمل آید.

ضرب المثل های ملل

«صد کتاب یک سخن از سر مشق نیست کفتم یک سخن که در آن یک کتاب بود»

از کسی بد گفتن به منزله بد گفتن از خویشتن است (افغانی)
 در جایی که یکبار نمک خوردی، چهل بار سلام بده (افغانی)
 از سه چیز باید حذر کرد، دیوار شکسته، سگ درنده، زن سلیطه (افغانی)
 از گیر دزد در آمده، گیر رمال افتاد (افغانی)
 از مال پس است و از جان عاصی (افغانی)
 از نو کیسه قرض مکن، قرض کردی خرج نکن (افغانی)
 اسباب خانه به صاحبخانه می ره (افغانی)
 اسب ترکمنی است هم از توبره می خوره هم از آخور (افغانی)
 اسب را گم کرده پی نعلش می گرده (افغانی)
 اگر باباش و ندیده بود ادعای پادشاهی می کرد (افغانی)
 اگر زری پوشی، اگر اطلس پوشی، همان کنگر فروشی



اگه خاله ام ریش می داشت، آقا مامایم بود (افغانی)
 اگر دانی که نان دادن ثواب است، تو خود میخور که بغدادت خراب است
 اگر نخوردیم نان گندم، دیدیم دست مردم
 امان از دوغ لیلی، ماستش کم بود، آبش خیلی
 اگر دعای بچه اثر داشت، یک معلم زنده نمی ماند
 الید الواحده لا تصفق (یک دست صدا ندارد)
 وهب الأمير ما لا یملک (از کیسه خلیفه میخشد)
 و للناس فیما یعشقون مذاهب (سلیقهها یکنواخت نیست)
 هل یصلح العطار ما أفسد الذهر (آب رفته به جوی باز نیاید)
 من یمدح العروس إلا أهلها (هیچ کس نمیگوید ماست من ترش است)
 من کثر کلامه کثر ملامه (پرگو خطاگوست)
 من قرع بابا و لیج و لیج (عاقبت جوینده یابنده است)
 من طلب العلی سهر الیالی (کنج خواهی در طلب رنجی ببر)
 من طلب شیئا وجد وجد (عاقبت جوینده یابنده بود)

یادی از شوریده بس که شنیدی صفت روم و چین خیز و یاملک سانی بین

شوراننده جهان ادب



سخن از عارف وارسته ای است که با گذشت هر ساعت دل ها را از انوار و تجلیات الهی لبریز می کند، اندیشمندی که شهرتش چه در اوان حیات پر ثمر معنویت و چه بعد از آن در اطراف و اکناف دنیای شعر و ادب منور است؛ این حکیم و شاعر منور فکر حضرت مجدود ابن آدم است که در سال ۷۶۴ در شهر غزنه در شرق افغانستان دیده به جهان گشوده است. و دوران کودکی و جوانی وی در آن شهر سپری شده و علوم متعدد- تفسیر، حدیث، حکمت

و... را در همین شهر فرا گرفته و سفرهایی هم به نیشابور و سرخس و... داشته است. مسئله دو رنگی زندگی سنائی با افسانه ها آمیخته شده که گروهی تغییر و دگرگونی حال او را تأثیر سخن «پیرلای خوار» می دانند و گروهی حکایت رفتن به حج بیت الله را دلیل دگرگونی حال وی آورده اند. در این باب می توان گفت که در وجود انسان یک نوع قوه و کشش یا بهتر بگویم عالم باطن انسان است که وی را به سرزمین جاودانه می کشاند و... این کشش بود که رنگ تیره زندگی وی را به رنگ سبز جاوید تبدیل کرده است. سنائی با دیده ژرف و عمیقی که در حوزه شعر و ادب داشته توانسته که رستاخیزی را در شعر فارسی دری به میان آورد یعنی وی با این کار خویش تحولات چشمگیری در غزل و قصیده و مثنوی و... شعر فارسی درس به میراث گذاشته است. به گفته شفیعی کدکنی: «هیچ کدام از قله های شعر فارسی حتی سعدی و حافظ و مولوی چنین مقطعی را در شعر فارسی ایجاد نکرده اند». به هر حال بدون شک سنائی مجد و شعر فارسی دری است- هنر وی در اغلب قالب های شعر فارسی است. و بخصوص که در قصیده به نقد جامعه و علماء و زاهدان ریایی و ترازو دزدان و وزرا و پادشاهان و امثال اینها که می پردازد تجلی دیگری نمایان می کند. از سنائی آثاری از قبیل دیوان قصاید و... کارنامه بلخ و سیرالعباد الی المعاد خلاصه نه اثر منظوم و منثور از وی به جا مانده- که هر یک درخشش ویژه خود را دارد. و منظومه سیرالعباد الی المعاد مورد توجه جدی اروپائیان قرار گرفته و سبب شهرت او در اروپا گردیده است. سنائی بعد از سپری کردن عمر پر ثمرش در شب یکشنبه یازدهم شعبان سال ۹۲۵ در غزنه درگذشت و از آن زمان تا حال مزار پر انوارش زیارتگاه عرفا، اهل ذوق و عامه مردم گردیده است. عصاره کلام اینک معرفت این بحر ژرف و کرانه ناپیدا در حوصله ی اوراق نیست؛ و رهروی این وادی هم جز یک پای معیوب وسیله دیگری ندارد.





جایی که درباره اش زیاد شنیده ایم و کم درباره اش می دانیم

در محدوده ای از کره خاکی، درست آنجا که دریای مدیترانه از غرب، کشور لبنان از شمال، رود اردن و جمهوری سوریه از شرق و شبه جزیره سینا از جنوب، آن را احاطه کرده‌اند، سرزمینی واقع شده که آن را فلسطین می خوانند. فلسطین از گذشته های دور به سبب سکونت اقوام کنعانی در آن به ارض کنعان مشهور بوده است. این نام به مناسبت حضور یکی از قبایل کرتی (Crete؛ از جزایر یونان) که در حدود ۱۲ قرن قبل از میلاد مسیح در سواحل مدیترانه میان یافا و غزه که بعدها به فلسطینیون معروف شدند، بر آن نهاده شد.

ساکنان نخستین فلسطین نیز همین اقوام کنعانی و فلسطینی بوده‌اند؛ کنعانیان چند قبیله عربی بودند که در حدود ۲۵۰۰ سال قبل از میلاد مسیح به آنجا مهاجرت کرده، در آن سکنی گزیدند. زندگی کنعانیان در کشاورزی تجلی یافته بود اما بعدها عده ای از آنها به نام فینیقی ها جدا شده و راه دریانوردی را در پیش گرفتند. در حوالی سالهای ۱۱۸۱ قبل از میلاد، جمعی از اهالی جزیره کرت با مهاجرت به جنوب غزه سواحل مدیترانه فلسطین را تصاحب کردند و در آنجا ساکن شدند. وسعت سرزمین فلسطین در حدود ۲۷۰۰۰ کیلومتر مربع است که ۷۰۴ کیلومتر مربع آن را دو دریاچه طبریه و حوله و نصف دریای مرده (بحرالمیت) تشکیل می دهند. گذشته از اراضی صاف و هموار و نیز بیابان ها و ریگزارها، خاک فلسطین را می توان به دو منطقه مهم تقسیم کرد؛ نخست، اراضی ساحلی که از حدود مصر تا کناره کوه کرمل در حیفا بر کرانه ساحل مدیترانه امتداد دارد و بالغ بر ۳۲۱۸۰ هکتار زمین را در بر می گیرد و قسمتی از این منطقه که بین حیفا و یافا واقع شده طبیعت بکر و خرمی را در دل خود جای داده است. بخش دیگر خاک فلسطین، قسمت کوهستانی آن است که رشته کوه های شمال به جنوب الجلیل، کرمل، نابلس، الخلیل و سلسله کوه های قدس را در بر می گیرد. کوه معروف طور یا زیتون که بر بیت المقدس مشرف است نیز در همین سلسله کوه های قدس قرار دارد.

آب و هوای فلسطین به طور کلی معتدل و اختلاف دمای تابستان و زمستان آن اندک است و این خود عامل مساعدی در کنار سایر ویژگی های طبیعی آن به شمار می رود. مهمترین محصولات کشاورزی فلسطین را پرتقال و زیتون تشکیل می دهند که به ترتیب از مناطق ساحلی و کوهستانی به عمل می آیند و کسر بزرگی از صادرات آن را شامل می شوند.

فلسطین در عهد عثمانی شامل سه ایالت بزرگ بیت المقدس، نابلس و عکا بود که بعدها در زمان سرپرستی انگلستان این تعداد به شش استان افزایش یافت: نخست، استان بیت المقدس با مرکزیت قدس پایتخت فلسطین که از لحاظ مذهبی در نظر مسلمانان، مسیحیان و یهودیان از جایگاه ویژه ای برخوردار است. علاوه بر بیت المقدس، شهر کوهستانی الخلیل که حرم ابراهیم و همسرش ساره در آن قرار دارد و نیز شهر بیت لحم زادگاه عیسی بن مریم از توابع این استان به حساب می آیند. دوم، استان غزه با محوریت شهر غزه که مزار هاشم ابن عبدمناف جد اعلای پیامبر خاتم در آن قرار دارد.

خان یونس، مجدل و بئرالسبع از توابع این استان به شمار می روند. سوم، استان اللد به مرکزیت شهر یافا که به پرتقال و روزنامه نگاری معروف است و با تحت پوشش درآوردن تالاب و سایر مناطق یهودی نشین چهرهای کاملاً یهودی به خود گرفته است. چهارم، استان سامره که مرکز آن شهر نابلس است و شهرهای طولکرم و جنین را دربرگرفته است. پنجم، استان الجلیل با مرکزیت ناصره که عیسی مسیح در آنجا ظهور کرد. شهرهای عکا و طبریه و حطین محل جنگ معروف صلاحالدین ایوبی با صلیبیان در سال ۱۱۸۷ میلادی در این استان قرار دارد و ششم، استان حیفا با محوریت شهر حیفا که از لحاظ صنعتی و تجاری مورد توجه است.

در این میان، بیت المقدس یا اورشلیم (Baytolmoqaddas / jerusalem)، شهری است که در قلب فلسطین واقع شده و نقشی فراتر از یک پایتخت برای آن بر عهده گرفته است. این شهر مجموعه عبادی متنوعی را در دل خود جای داده که شاید بتوان گفت حضور این مجموعه، آن را در جایگاه بینظیری نسبت به سایر شهرهای جهان قرار داده است.

بیت المقدس دارای دو قسمت است؛ یکی بخش قدیمی که همان مجموعه عبادتگاه ها و مکان های مذهبی را دربرگرفته و دیگری، بخش جدید که بیرون از حصار بخش قدیمی است و از نظر وسعت، بزرگتر از آن است. بخش قدیمی بیت المقدس یا همان قدس به واسطه وجود اماکنی مذهبی که از نظر پیروان هر سه دین اسلام، مسیحیت و یهود مورد احترام و توجه قرار می گیرد بسیار دارای اهمیت است. بخش عمده بیت المقدس، بنایی است چهارضلعی (تقریباً شبیه دوزنقه) با ابعادی در حدود ۲۸۰ متر در امتداد جنوب، ۳۱۰ متر در امتداد شمال، ۴۶۰ متر در امتداد شرق و ۴۸۰ متر در امتداد غرب. این ابعاد مساحتی در حدود ۱۳۸ هزار متر مربع (اندکی کمتر از ۳۵ جریب) را دربرمی گیرد که ارتفاع متوسط آن از سطح دریا در حدود ۷۳۰ متر است. مسلمانان این بنای چهارضلعی را حرم الشریف می نامند. حرم الشریف که به شکل یک سکو است، دربرگیرنده دو بنای بسیار معروف در عالم اسلام است که غالباً با یکدیگر اشتباه گرفته می شوند؛ مسجدالاقصی و مسجد قبه الصخره.

مسجدالاقصی، همان قبله نخست مسلمانان و دومین مسجدی است که صرفاً به خاطر عبادت و پرستش خداوند بنا شد و در



اولین آیات سوره بنی اسرائیل در قرآن به آن اشاره شده است. این مسجد در طی قرون و اعصار متمادی، چندین بار دچار تغییر شکل شده و یا ویران گشته است.

ساختمان فعلی مسجد، اساساً از سال ۴۲۴ هجری قمری که برای آخرین بار توسط خلیفه الظاهر، مورد بازسازی قرار گرفت و شکل آن از بنای سابقش تغییر نکرده و تنها از ابعاد شرقی و غربی آن کاسته شده دست نخورده باقی مانده است.

مسجد القبه نیز توسط خلیفه اموی، عبدالملک بن مروان، به یادبود سفر بزرگ پیامبر اسلام به آسمان بنا شد. بنای آن در سال ۶۷ هجری (۶۸۷ میلادی) آغاز و در سال ۱۷ هجری (۶۹۱ میلادی) تکمیل شد. این مسجد از قاعده‌های هشت وجهی تشکیل شده که دو راهروی هم مرکز آن را دربر گرفته اند؛ آنها نیز به نوبه خود جایگاه مرکزی دایره‌های شکلی، حاوی صخره را احاطه کرده‌اند. گمان می‌رود این همان صخره‌های باشد که پیامبر خدا در معراج با آن به آسمان رفت.

در بالای قاعده هشت وجهی و بلافاصله در بالای دایره‌ای که صخره را احاطه کرده است، قبه‌ای دایره‌ای، با قطر ۱۸ تا ۲۰ متر و ارتفاع حدوداً ۲۳ متر، قرار دارد. بدین ترتیب نام این مسجد برگرفته از این واقعیت است که گنبد (قبه) آن، به طرز شگفت‌انگیزی بر کل ساختمان احاطه دارد.

بر دیواره‌های درونی قاعده هشت وجهی نیز، مانند دیواره‌های بیرونی، آیات قرآن کریم نقش بسته که مجموعاً ۲۱۰ متر از فضای دیوارها را دربر گرفته است. جای شگفتی نیست که مسجد القبه مناره‌های ندارد، چرا که در دوره امویان مناره از اجزای مسجد نبود و این پدیده بیشتر از مظاهر دوره عباسیان محسوب می‌شود.

حرم الشریف علاوه بر این دو مسجد، شامل بخش‌های دیگری همچون قبرستان باب الرحمه، مصلاهی مروان، موزه اسلامی و مدارس رواق شمالی نیز می‌شود. با این حال، حرم الشریف برای غیر مسلمانان معنای دیگری دارد و از جنبه دیگری مورد احترام و تقدس است.

یهودیان و مسیحیان که به حرم الشریف، تپه معبد (Templemount) می‌گویند، معتقدند معبد سلیمان که روزگاری محور اصلی عبادت و روحانیت یهود بوده است، در بخشی از حرم الشریف که دو مسجد معروف مسلمانان در آن واقع شده، قرار داشته است. بر اساس باور یهودیان، می‌توان به دیوار غربی حرم الشریف به عنوان دیوار حایل معبد سلیمان و به دیده زیارتگاه یهودیان نگریست. بدین ترتیب این مکان، تنها بخش باقیمانده از معبد سلیمان در شهر اورشلیم (بیتالمقدس) است و به همین دلیل مقدس‌ترین اماکن یهودیان به شمار می‌آید. دیوار غربی (Western Wall) که سابقاً به آن دیوار ندبه می‌گفتند، در زمان پراکندگی یهودیان، جایگاهی برای نیایش و سوگواری بوده است. ابعاد این دیوار عبارت است از ۵۰ متر درازا و ۲۰ متر ارتفاع؛ با این حال، دیوار تا عمق بسیار زیادی در زمین فرو رفته است.

سرآغاز دعا و نیایش یهودیان در این مکان از اوایل امپراتوری بیزانس بوده و از همان هنگام یهودیان در همین محل بر ویرانی معبد خود سوگواری نموده و برای بازسازی آن دعا می‌کنند. عباراتی چون دیوار ندبه، ظاهراً توسط مسافران اروپایی به کار رفته است که شاهد شب زنده داری‌های سوگوارانه و زاهدانه یهودیان در برابر بقایای معبد مقدس بوده‌اند.

علاوه بر دیوار غربی حرم الشریف که بدان حائط مبعی نیز گفته می‌شود، کوه مشرف بر بیت المقدس که به کوه زیتون معروف است و البته در فرهنگ یهود کوه صهیون نام دارد از دیگر اماکن مهم در نظر یهودیان است که به نوعی با معبد سلیمان در ارتباط بوده و روزگاری محل نیایش و قربانی یهودیان بوده است.

علاوه بر مسلمانان و یهودیان، مسیحیان نیز برخی مکان‌های بیت المقدس را منصوب به خود می‌دانند. از دیدگاه آنها حضرت عیسی در اورشلیم، به صلیب کشیده شد و پس از تدفین، دوباره زنده و از نظرها غایب شد؛ اعتقادی که از نگاه قرآن نمی‌تواند صحیح باشد. بر اساس همین باور، سه مکان مقدس برای مسیحیان در بیت المقدس وجود دارد که عبارتند از باغ جتسیمان، خیابان غم‌ها و کلیسای آرامگاه مقدس. به اعتقاد آنها باغ جتسیمان (Gethseman Garden) همان باغی است که عیسی و حواریون او پس از شام آخر در آن به استراحت پرداختند و در نیمه‌های شب سربازان رومی به سراغ آنها آمدند و عیسی مسیح را دستگیر کردند. نیز مسیحیان معتقدند عیسی پس از محاکمه از میان خیابانی که در شمال حرم الشریف قرار دارد و به راه صلیب یا خیابان غم‌ها (Via Dolorosa) موسوم است، به سمت جایگاه مصلوب شدن خویش عبور داده شده است. این محل، اکثراً از سوی مسیحیان مورد بازدید قرار می‌گیرد. سومین مکان مقدس مسیحیان در اورشلیم، کلیسای بیت المقدس است که به اعتقاد آنها در جلجتا جایگاه مصلوب شدن، تدفین و دوباره زنده شدن عیسی مسیح بنا شده و به کلیسای آرامگاه مقدس (Ghurch of the Holy sepulcher) معروف است.

فلسطین، از دیرباز قدمگاه رسولان و پیامبران الهی و کانون نیایش و پرستش پیروان و مؤمنان ادیان بوده و تقدیر این چنین رفته که همو، صحنه آخرین حضور الهی در پایان دوران نیز باشد. طبق روایات هر سه دین ابراهیمی، بازگشت و ظهور موعود در فلسطین اتفاق می‌افتد؛ این سرزمین از دیرباز به عنوان ارض موعود بنی اسرائیل شناخته شده و گمان می‌رود پادشاهی ایده آل موعود یهود (مسیحا) در همین منطقه استقرار یابد.

همچنین این سرزمین محل تولد، زندگی و عروج عیسای ناصری بوده و بر همین اساس انتظار می‌رود که بازگشت موعود مسیحیان نیز در همین مکان به وقوع پیوندد. قیام موعود اسلام نیز اگرچه از قبله کنونی مسلمانان در مکه آغاز می‌شود، در نهایت به جنگی سرنوشت ساز در بیت المقدس ختم می‌گردد و در نتیجه پیروزی در این نبرد است که زمین برای مهدی (عج) فتح خواهد شد.

نوروز در شرق آفریقا

چکیده

کشور ایران با سابقه درخشان تاریخی خویش از دیرباز بسیاری از مناطق جهان را تحت تأثیر فرهنگ و تمدن خود قرار داده است. در این میان، جدای از چین، هند، آسیای مرکزی، بخش‌هایی از اروپا و شمال آفریقا که از قدیم‌الایام تحت تأثیر جلوه‌های عمیق فرهنگی تمدنی ایران‌زمین بوده‌اند، شرق آفریقا نیز در نتیجه تعاملات فرهنگی با ایران از نخستین قرون اسلامی، بسیاری از آداب و رسوم و سنت‌های نیاکان ما را در خود جای داده که برگزاری عید نوروز با تشریفات خاص، یکی از آن سنت‌هاست. در واقع، نوروز تنها بخشی از فرهنگ ایرانیان است که به‌همراه دیگر شاخصه‌های فرهنگ و تمدن ایران، نظیر معماری، واژه‌های فارسی، ادبیات، سال هجری شمسی، باورهای عامیانه و... از دیرباز بخشی از میراث فرهنگی ماندگار در بین بومیان بوده است. از این‌رو، می‌توان گفت گستره فرهنگی این جشن باستانی امروزه مرزها را درنوردیده و در مناطقی دورافتاده در شرق آفریقا نیز به‌عنوان نماد خیر و برکت گرمایی داشته می‌شود. در این مقاله، تاریخچه عید نوروز و نحوه ورود آن به شرق آفریقا به‌وسیله ایرانیان شیرازی‌الاصل، آداب و رسوم خاص برگزاری آن در سواحل و جزایر کشورهای تانزانیا و کنیا و ورود این آیین کهن سواحیلی و نحوه برپایی آن در جزیره زنگبار که با سنت‌های بومیان این منطقه درهم آمیخته، مطالعه و بررسی شده است.

مقدمه

یکی از چشمگیرترین و در عین حال تأثیرگذارترین مهاجرت‌های ایرانیان به خارج از مرزهای ایران‌زمین در روزگاران قدیم، به‌ویژه از نظر فرهنگی و تمدنی، سفر تاریخی گروهی از ایرانی‌ها از خطه فارس در اواخر قرن چهارم هجری قمری به شرق آفریقا بوده است. این ایرانیان که در عهد حاکمیت آل‌بویه از طریق بنادر جنوبی و از مسیر خلیج فارس سفر پرمخاطره خود را آغاز کردند، در اقامتی طولانی‌مدت (نزدیک به پنج قرن) آثار شگرفی در زمینه ترویج فرهنگ و تمدن ایرانی در این سرزمین برجای نهادند. شرق آفریقا در آن دوره منطقه‌ای نسبتاً ناشناخته به‌شمار می‌رفت. اگرچه پیش از آن برخی قبایل عرب در بخش‌هایی از شمال شرق آفریقا اقامت گزیده بودند، شرق آفریقا به‌دلیل ویژگی‌های خاص خود علی‌رغم دارا بودن جاذبه‌های طبیعی فراوان، مکانی پر رمز و راز برای ملل مشرق‌زمین محسوب می‌شد.

مهاجرت ایرانیان و استقرار آن‌ها در بخش‌های وسیعی از سواحل و جزایر شرق آفریقا که منجر به تأسیس پادشاهی موسوم به شیرازی‌ها گردید، آثار شگرفی از نظر اجتماعی و فرهنگی برجای نهاد؛ به‌گونه‌ای که امروزه با وجود گذشت قرن‌ها از نابودی این پادشاهی، یادگارهای برجای‌مانده از آن به‌وفور در مناطق گوناگون این سرزمین پهناور به‌چشم می‌خورد. این مؤلفه‌ها که امروزه در زمره بخشی از فرهنگ و آداب و رسوم پایدار بومیان مناطق ساحلی و جزایر شرق آفریقا جای گرفته‌اند، در زمینه‌های مختلف جلوه‌گر هستند. وجود واژه‌های فراوان زبان فارسی در زبان سواحیلی، تأثیرپذیری عمیق ادبیات سواحیلی از شعرای قدیم ایرانی، رواج سبک معماری ایرانی، انبوه مساجد و قصرهای برجای‌مانده از حاکمیت شیرازی‌ها، به‌کارگیری سال هجری شمسی، نفوذ برخی باورهای عامیانه و ضرب‌المثل‌های فارسی در فرهنگ مردمان این منطقه، پدیدآمدن نژادی موسوم به طایفه شیرازی‌ها و... برخی از این مؤلفه‌های فرهنگی و تمدنی است.

در این مقاله، جشن نوروز که هر سال با تشریفات و آداب و رسوم خاص در سواحل و جزایر شرق و جنوب شرق آفریقا، اعم از کنیا، تانزانیا و کومور برپا می‌شود، از زوایای گوناگون بحث و بررسی شده است. گفتنی است که جشن نوروز از مهم‌ترین اعیاد بومیان سرزمین‌های شرق آفریقا محسوب می‌شود.

یکی از شاخص‌ترین آداب و رسوم به‌جای‌مانده از شیرازی‌ها در منطقه شرق آفریقا، جشن نوروز یا نوروزی است که در زبان سواحیلی به آن سکو یا مواکا به‌معنای سال نو (Trimingham, 1962: 88-89) و سیکو یا نوروزی گفته می‌شود (Mwaka, 2001: 145). برخی قبایل شیرازی نیز آن را مواکاکوگوا می‌خوانند (Sheriff, 2001: 36).

درخصوص تاریخ جشن نوروز در شرق آفریقا، شواهد امر حکایت از رواج آن در این منطقه از بدو ورود شیرازی‌ها و پدیدآمدن دولت‌شهرهای شیرازی در مناطقی، همچون کیلوا، زنگبار، جزیره پمبا، تومباتو، مومباسا، هنزوان (جزیره آنژوان امروزی در مجمع‌الجزایر کومور)، تانگا، جزیره مافیا، لامو، مالیندی و... دارد.

البته در وقایع‌نامه کیلوا - که قدیم‌ترین منبع در مورد تاریخ شیرازی‌ها به‌شمار می‌رود - اشاره مستقیمی به این جشن باستانی ایرانی‌ها نشده است؛ ولی از لابه‌لای صفحات این کتاب ارزشمند نکاتی در باب رواج عید نوروز در این منطقه از بدو به‌وجود آمدن دولت‌شهرهای شیرازی به‌دست می‌آید. بسیاری از بومیان شیرازی‌الاصل نیز براساس روایات شفاهی، نوروز را میراثی از حضور شیرازیان در این منطقه می‌دانند و بر این امر تأکید دارند. شواهد موجود نیز جملگی دلالت بر آن دارد که شیرازی‌ها پس از استقرار در این سرزمین بنابر آداب و رسوم خود عید نوروز را گرامی داشته، همه ساله در آغاز سال نو هجری شمسی جشن‌هایی را در جزایر و سواحل شرق آفریقا برگزار می‌کردند. از آن زمان، نوروز در بین بومیان نیز راه یافته است؛ به‌گونه‌ای که این جشن‌ها با تشریفات خاص خود در این منطقه برگزار می‌شود و گذشت زمان نیز خللی بر آن وارد نکرده است. برخی محققان شرق آفریقا نیز رمز پایداری جشن نوروز را در سواحل و جزایر شرق آفریقا پیام زیبای این سنت: تبلوری از تداوم زندگانی، می‌دانند.

جشن نوروز در ۲۱ مارس (اول فروردین) همزمان با عید نوروز در ایران، در سرتاسر سواحل منطقه شرق آفریقا، به‌ویژه در جزیره زنگبار (اونگوجا و پمبا) و مناطق جنوبی سواحل شرق آفریقا با شکوه خاصی برگزار و در جایگاه یکی از حوادث مهم مردمان این سرزمین تلقی می‌شود.

آداب و رسوم جشن نوروز در سواحل شرق آفریقا از برخی جهات، همچون نظافت و از بین بردن گرد و غبار سال گذشته (خانه‌تکانی) و برپا کردن آتش (چهارشنبه‌سوری) با مراسم عید نوروز ایرانی‌ها شباهت زیادی دارد؛ اما برخی سنت‌های بومی قبایل شرق آفریقا نیز در این جشن راه یافته است.

پروفسور ترمنگهام معتقد است جشن نوروز با یکی از جشن‌های بزرگ قبایل بانتو به‌نام میدزیمو (به‌معنای روح زمین به زبان سواحیلی که از سوی فردی واسطه‌گونه بین انسان‌ها و ارواح پیشینیان موسوم به موپاله برپا می‌شود) درهم آمیخته است (Trimingham, 1962: 88-89). با این حال، عنصر ایرانی و آداب و رسوم به‌جای‌مانده از شیرازیان در این جشن بزرگ کاملاً غالب است و جشن «سیکو یا نوروزی» همچنان رنگ و بوی ایرانی خود را به‌طور کامل حفظ کرده است.

نحوه آغاز آداب و رسوم نوروز در سواحل تانزانیا و کنیا بدین صورت است که در صبح روز جشن پس از طلوع خورشید، مردمان سواحیلی، اعم از زن و مرد بدن‌های خود را در آب اقیانوس هند شست و شو داده، خود را از هرگونه آلودگی پاک می‌سازند. دانش‌آموزان مدارس اسلامی نیز ضمن مشارکت در هزینه تهیه غذای جشن از شب قبل به‌همراه معلمان خود در مدارس حضور یافته، علاوه بر کمک به فراهم آوردن غذای این جشن، در صبح روز عید در کنار ساحل اقیانوس هند به تلاوت قرآن می‌پردازند.

در روز جشن نوروز، مردان در مکان‌هایی مشخص به قربانی کردن بز و توزیع آن در بین افراد و تلاوت قرآن می‌پردازند. جشن با صرف غذایی موسوم به کارامو ادامه می‌یابد. به این غذا در جزیره تومباتو کیواتو می‌گویند. در ادامه مراسم، جنگ‌های خنده‌دار و رقص‌هایی موسوم به انگوما در سرتاسر شب اجرا می‌شود که این جنگ‌ها در هر یک از شهرهای زنگبار و مناطق ساحلی تانزانیا و کنیا خاص خود بوده و دارای آداب و رسوم ویژه‌ای است. جالب‌ترین این جشن‌ها در جنوب جزیره اونگوجا برپا می‌شود و هزاران نفر از سرتاسر زنگبار (اونگوجا و پمبا) برای دیدن رقص‌های یادشده و جنگ‌های خنده‌آور در آنجا تجمع می‌کنند. این جنگ‌های مضحک نمودار تقلا و تلاش سال قدیم و سال جدید برای جابه‌جایی و توأم با سوزاندن نماد سال قدیم است (Trimingham, 1962: 88-89).

89: 1962). از دیگر مراسم جالب جشن‌های نوروز در سواحل تانزانیا و زنگبار، نحوه خاموش کردن آتش قدیم و روشن کردن آتش نو است که به سبکی ابتدایی و خاص انجام می‌شود؛ بدین صورت که چوب‌هایی نازک بر روی هم گذاشته، با آتش زدن این چوب‌ها آتش بزرگی فراهم می‌شود (Sheriff, 2001: 35).

برخی قبایل شیرازی‌الاصل نیز در جنوب کنیا همزمان با فرارسیدن جشن نوروز رقص جالبی موسوم به گونگو را در مناطق جنوبی کنیا برگزار می‌کنند. در این جشن‌ها که با بازی‌هایی با شمشیر و چوب همراه است، اشعاری به زبان سواحیلی از سوی برخی شعرا خوانده می‌شود که از آهنگ زیبایی برخوردار است (Prins, 1965: 72).

ای شاه ما آمده‌ایم

ما همه با هم

مردان لامو، سی یو و پاته

و شما نیایش کنید و در پیروی از ما بشتابید

بیاید شب را به تماشا بگذارانیم

و به تماشای رقص گونگو بیدار بمانیم

ای شاه ما آمده‌ایم

ما مردان لامو

ما بزرگان پاته و سی یو

و در کنار جایگاه رفیع شما

و برای شما

بیاید شب را به تماشا بگذارانیم

و به تماشای رقص گونگو بیدار بمانیم [۱]

این اشعار دربرگیرنده اطلاعات مهمی درخصوص نحوه ورود شیرازی‌ها به سواحل شرق آفریقا و نفوذ فرهنگ ایرانی در مناطق جنوبی کنیا آن عهد است. به نظر می‌رسد منظور از شاه ایرانی اشعار نیز یکی از حاکمان شیرازی مستقر در این منطقه بوده است که بومیان برای وی احترام بسیاری قائل بوده‌اند و در روز عید نوروز با هدایایی به نزد او شتافته، آیین نوروز را در مقابل وی و درباریان اجرا می‌کرده‌اند.

علاوه بر مراسم یادشده، زنان شیرازی‌الاصل نیز در سواحل شرق آفریقا همزمان با عید رقصی به نام باروری برپا می‌کنند. البته با وجود تحقیقات میدانی پژوهشگر، کاملاً مشخص نیست این حرکات موزون نمایشی چه زمانی وارد سواحل شرق آفریقا شده است؛ ولی بومیان معتقدند این رقص منشأ ایرانی دارد. زنان شیرازی‌الاصل در این رقص بهترین لباس‌های خود را بر تن می‌کنند، شاخ گاوی در دست چپ خود می‌گیرند و زنگ‌هایی کوچک به قوزک پای خود می‌بندند. این رقص موسوم به امسانجه است و براساس آداب و رسوم اسلامی، مردان اجازه حضور در این رقص و حتی تماشای آن را ندارند (Freeman Greenhill, 1963: 29).

در ابتدای فرارسیدن عید نوروز، مسابقات فوتبال نیز در مجمع‌الجزایر زنگبار آغاز می‌شود و بومیان اشعاری موسوم به انگوما را می‌خوانند که آهنگ زیبایی دارد. درخور ذکر است که برگزاری آیین نوروز در زنگبار، پمبا و مومباسا همراه با تعطیلی عمومی است (Mohamad, 1994: 22-23).

بومیان مجمع‌الجزایر زنگبار معتقدند همزمان با فرا رسیدن عید نوروز بادهای موسوم به کوسی شروع به وزیدن می‌کنند و فصل کشاورزی مشهور به امتاما آغاز می‌شود. در این فصل که کیبوپره نامیده می‌شود، هوا سرد و خشک و فرصتی مناسب برای تفریح و لذت بردن از طبیعت است (Ibid, 23).

جشن نوروز در ماکوندوچی

ماکوندوچی مکانی نسبتاً دورافتاده در جنوب غربی جزیره زنگبار (اونگوچا) است. جشن نوروز در این مکان با شکوه خاصی و متفاوت با تمام سواحل شرق آفریقا برگزار می‌شود و شامل نمادهایی از آداب و رسوم ایران، اسلام، دین زرتشت و ادیان بومی شرق آفریقا است. آنچه در این میان کاملاً شاخص است، برتری آداب و رسوم ایرانی است که از زمان شیرازی‌ها در این منطقه نفوذ یافته است؛ به‌گونه‌ای که علاوه بر مراسم آیینی، همچون تمیز کردن منازل و زدودن گرد و غبار سال گذشته (نظیر سنت دیرینه خانه‌تکانی در ایران)، جشن چهارشنبه‌سوری و برپا کردن آتش در این روستا برگزار می‌شود.

براساس مطالعات میدانی پژوهشگر، جشن نوروز در ماکوندوچی به دو بخش تقسیم می‌شود که بخشی از آن حالت خصوصی دارد و بخش دیگر در حضور تماشاگران و



علاقه‌مندان انجام می‌شود. مراسم خصوصی در قسمت غربی مکانی به نام کائوکوو برپا می‌گردد که به غاری موسوم به امزیمو ختم می‌شود. طبق باورهای سنتی مردان زنگبار، در این غار ارواحی زندگی می‌کنند. براساس آداب و رسوم مردم زنگبار، در آیین خصوصی که یک هفته قبل از آغاز جشن عمومی در این غار برپا می‌شود، تمام بدی‌ها و شرارت‌های گذشته از وجود روستاییان پاک و آنان آماده برگزاری جشن اصلی می‌شوند. در طول این مدت و پیش از شروع مراسم اصلی جشن نوروز، گاوی قربانی می‌شود. بومیان معتقدند از خون این قربانی ارواح پیشینیان بهره می‌برند. مردمان این منطقه هنگام قربانی کردن از آزار و اذیت ارواح شر و موذی آسوده‌خاطر می‌شوند. به زنان و کودکان نیز هشدار داده می‌شود هنگام تاریکی برای جمع‌آوری چوب از منازل خارج نشوند. در طول این هفته، مراسم سنتی مختلفی در ماکوندوچی برگزار می‌شود که مهم‌ترین آن‌ها در کلبه‌ای در محل پرستشگاه امزیمو است.

بومیان معتقدند در این مکان افرادی موسوم به وایواله اقامت دارند که در واقع واسطه‌هایی بین ارواح پیشینیان و مردم هستند. آنان طی این مدت، نیایش‌هایی را به صدای بلند می‌خوانند، به این قصد که موجبات خشنودی پروردگار را فراهم آورند و موجب پدید آمدن سالی خوب و مملو از برکت برای مردم منطقه ماکوندوچی شوند [۲]. پس از استحمام عمومی که سایر افراد نیز در آن شرکت می‌کنند، واسطه‌ها و دیگر افراد صاحب‌نفوذ بومی در کلبه مخصوصی در نزدیکی مکان برگزاری جشن گرد هم می‌آیند و به خواندن سوره‌هایی از قرآن و انجام دادن مراسم عبادی می‌پردازند. زنان و کودکان نیز خانه‌ها را جارو می‌کنند و خاکستر و کثیفی موجود را در مکانی در نزدیکی خیابان‌های اصلی بر روی هم تلنبار، و برگ‌های درختان منگو را از درها آویزان می‌کنند. آویزان کردن برگ‌های درخت منگو و تمیز کردن منازل، به‌ویژه جمع‌آوری خاکستر، نمادی از آرزوی خیر و برکت و خوشبختی در سال جدید است. پس از آن، رقصی توسط زنان اجرا و در ظروف مخصوصی به نام کاندو در مقابل قبر یکی از اجداد مشهور، غذا بین مردم توزیع می‌شود (Mwaka kogwa, 2001: 3-4). در ادامه جشن نوروز، جنگی سنتی آغاز می‌شود و دو برادر از بخش‌های جنوبی و شمالی ماکوندوچی با چوب و چماق با یکدیگر مبارزه می‌کنند؛ این جنگ تا زمانی ادامه می‌یابد که یکی از طرفین احساس خستگی کند [۳]. در حین برگزاری این مراسم سنتی، زنان لباس‌هایی گرانبها پوشیده، در اطراف جمعیت به جست‌وخیز پرداخته، به‌قصد تحریک و تشویق جنگجویان به ادامه مبارزه، سرود و اشعاری مهیج با مضامین عشق، دوستی و زندگی روستایی می‌خوانند. جنگجویان نیز با شنیدن این اشعار مهیج در محوطه میدان جنگ به گردش پرداخته، سلاح‌های خود را روانه سر طرف مقابل می‌کنند. بومیان معتقدند این نمایش باعث می‌شود با فرا رسیدن سال جدید، مردم کینه‌ها و دشمنی‌های خود را فراموش و سال جدید را در محیطی مملو از دوستی آغاز کنند (مشاهدات عینی پژوهشگر، زنگبار، فروردین ۱۳۸۱).



مبارزه نمایشی جنگجویان به مناسبت عید نوروز در ماکوندوچی

در انتهای شب در حالی که جنگجویان به‌شدت خسته شده‌اند، هرم کوچکی از برگ‌های نارگیل برای فراهم آوردن آتش در گوشه میدان تشکیل می‌شود، سپس یکی از افرادی که بومیان معتقدند دارای قدرت سحرآمیزی است، وارد هرم شده، آن را آتش

می‌زند. به محض شعله‌ور شدن آتش، دو مرد از درون هرم به علفزارهای اطراف می‌روند و پس از آن، تمام افرادی که به دور آتش حلقه زده‌اند سعی می‌کنند با ریختن خاک و سنگ آن را خاموش کنند. سوزاندن برگ‌های نارگیل نمادی از دور کردن بیماری‌ها و آتش از مردمان ماکوندوچی است. پس از آن، پیرمردان منطقه در اطراف قبر یکی از روحانیان مسیحی می‌رقصند؛ بومیان معتقدند این فرد دارای قدرتی مافوق‌طبیعی است و حتی می‌تواند روی موج‌ها قدم بزند. جشن نوروز با برگزاری جشن‌های دیگری ادامه می‌یابد که توأم با نمایاندن مهمان‌دوستی مردم این منطقه است. در طول این مدت، بین شرکت‌کنندگان در جشن غذاهای مختلفی توزیع می‌شود. براساس آداب و رسوم سنتی مردمان ماکوندوچی، آنان از تمام شرکت‌کنندگان پذیرایی می‌کنند و از این لحاظ محدودیتی قائل نیستند. پس از آن، مراسم موسیقی و رقص با کوبیدن طبل‌هایی بزرگ تا شب ادامه می‌یابد، درحالی‌که با موسیقی محلی زنگبار به نام طرب نیز آمیخته شده است. طی چند سال گذشته، موسیقی عربی نیز در این مراسم راه یافته است. در اواخر شب، برخی از مردم به شهر اونگوجا باز می‌گردند؛ درحالی‌که برخی دیگر در اطراف ساحل تا صبح (آغاز سال جدید) به رقص و پایکوبی ادامه می‌دهند (همان، ۴-۵).

همان‌گونه‌که از جشن‌ها و مراسم یادشده و نحوه برگزاری آن‌ها برمی‌آید، نوروز، عیدی با پیشینه‌ای کهن در سواحل شرق آفریقا به‌شمار می‌رود و آداب و رسوم آن تا حدودی شبیه مراسمی است که در ایران و برخی کشورهای همجوار ایران برگزار می‌شود [۴]. نوروز، همچنان یکی از جشن‌های کهن و دیرینه در مجمع‌الجزایر زنگبار (اونگوجا، پمبا و تومباتو)، برخی از مناطق سرزمین اصلی و سواحل جنوب کنیا محسوب می‌شود و بومیان این مناطق علاقه خاصی به حفظ این سنت اصیل دارند و آن را عنصر مهم فرهنگی در زندگی خود قلمداد می‌کنند.

نتیجه‌گیری

عید نوروز در حال حاضر، در مقام بخشی از میراث فرهنگی و تمدنی فرامرزی ایران در شرق آفریقا و بین اقوام و قبایل موسوم به شیرازی که خود را از نسل ایرانیان مهاجر به این سرزمین می‌دانند، به‌طور عمیق جای گرفته است. این در حالی است که با وجود گذشت پانصد سال از نابودی پادشاهی شیرازی‌ها در شرق آفریقا، عید نوروز نه تنها دچار فتور و نابودی نشده، بلکه بر محتوای آن نیز افزوده شده است؛ به‌طوری‌که در حال حاضر، این جشن مظهر غلبه سال نو بر سال قدیمی و ورود خیر و برکت در بین مردمان این منطقه دانسته می‌شود و در عین حال بخشی از آداب و رسوم بومیان این منطقه نیز در آن راه یافته است. این امر صرفاً نمودار آن است که رمز پایداری این آیین کهن- که به‌ویژه در مجمع‌الجزایر زنگبار (اونگوجا، پمبا، تومباتو)، برخی از مناطق سرزمین اصلی و سواحل جنوب کنیا برگزار می‌شود- علاقه فراوان بومیان این مناطق به ایرانیانی است که صدها سال پیش در این سرزمین جای گرفته و با بومیان مناسباتی بر پایه دوستی، عدالت، برابری و برادری برقرار کردند که آثار آن علی‌رغم گذشت صدها سال هنوز پابرجای مانده است.

در واقع، ایرانیان شیرازی‌الاصل با برقراری دولتی عظیم در این منطقه که صدها سال به‌طول انجامید، چنان تأثیراتی از نظر سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در شرق آفریقا برجای نهادند که امروزه بسیاری از آداب و رسوم ایرانی در بین مردمان این دیار به‌یادگار مانده است. با این حال، جایگاه این ایرانیان و میراث ارزشمند فرهنگی برجای‌مانده تاکنون به‌نحو شایسته معرفی نشده و در این میان، جشن باستانی نوروز و نقش آن در زنده نگاه داشتن فرهنگ و تمدن ایرانی در این منطقه نیز از سوی مسئولان فرهنگی ج. ا. ایران مغفول مانده است. از این روی، بسیار مناسب و شایسته است رایزنی‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در این کشورها با تأکید هرچه بیشتر بر برگزاری کلاس‌های آموزش زبان فارسی، هر سال در روز اول فروردین با برگزاری مراسم عید نوروز توأم با تشریفات خاص آن، نظیر برپایی سفره هفت‌سین، این سنت دیرینه را به‌طور کامل و به‌همراه تاریخچه آن به بومیان شرق آفریقا، به‌ویژه قبایل شیرازی‌الاصل معرفی کنند. چاپ کتب، مجلات و جزوات از دیگر اقداماتی است که به‌طور قطع نقش بسزایی در بازنمایی هرچه بیشتر عید نوروز و منشأ باستانی آن و تحکیم علائق دیرینه ایرانیان و بومیان سواحل شرق آفریقا خواهد داشت. برگزاری همایش‌ها و هم‌اندیشی‌هایی درخصوص نقش تاریخی ایرانیان در سواحل و جزایر شرق آفریقا با حضور اندیشمندانی از جمهوری اسلامی ایران و کشورهای منطقه نیز از دیگر راهکارهای تحکیم مناسبات دیرینه فرهنگی و تمدن ایران و شرق آفریقا و زنده نگاه داشتن نمادهای فرهنگی ایرانی در این بخش از جهان است.

پی‌نوشت‌ها

۱. ترجمه سواحیلی شعر چنین است:

Ewe shaha chumekuga kwa sute Muamu msigu.
Na mpate Na wewe Khchwandama usiwate chwende tukakesha Gunguni.
Ewe shaha chumekuya waamu mabwana wapate no siyu linuwe.
Wewe utoke chwende tukakesha gungun.

۲. این مراسم نشئت گرفته از ادیان بومی شرق و جنوب آفریقا است. یکی از شاخص‌ترین ویژگی‌های ادیان سنتی آفریقا که هنوز با وجود گذشت قرن‌ها از ورود اسلام و مسیحیت به این قاره نشانه‌هایی از آن در بین مسلمانان و مسیحیان آفریقا وجود دارد، تقدیس ارواح اجداد و پیشینیان است. بومیان شرق آفریقا معتقدند ارواح پیشینیان آنان همواره نظاره‌گر اعمال بازماندگان خود هستند در مواقع لازم به آن‌ها کمک می‌کنند. با این حال، در مواقعی که خشم این ارواح برانگیخته شود، افراد خاصی مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرند. پیروان ادیان بومی معتقدند از طریق دعا و نیایش، به‌ویژه نذر و قربانی می‌توان نظر ارواح را مساعد ساخت؛ لذا همواره درصد رضایت و خشنودی این ارواح هستند. علاوه بر پیروان ادیان بومی، مسلمانان و مسیحیان نیز معمولاً این ارواح را به‌منزله شیعیانی برای ایجاد ارتباط با خداوند می‌دانند و با قربانی کردن حیوانات و پیشکش کردن هدایا، آن‌ها را به‌سوی خود جذب می‌کنند. این سنت در ماکوندوچی نیز اغلب بر مبنای همین اعتقادات صورت می‌گیرد و در واقع تلفیقی از آداب و سنن اسلامی و سنت‌های بومی بر جای مانده از ادیان بومی آفریقا است (مطالعات میدانی پژوهشگر).

۳. البته طی سال‌های گذشته، به سبب پرهیز از صدمه رسیدن به جنگجویان، چوب و چماق به ساقه‌هایی از درخت موز تغییر یافته است.

۴. علاوه بر بومیان، تعداد انگشت‌شماری از پارسیان زرتشتی مقیم جزیره زنگبار نیز این عید کهن را در روز اول فروردین گرامی می‌دارند. این پارسیان در اواخر قرن نوزدهم توسط انگلیسی‌ها به زنگبار منتقل شدند. آنان در ابتدا اقلیت کوچکی شامل ۱۵۰ خانواده را تشکیل می‌دادند و پس از اقامت در این جزیره، آتشکده‌ای در جزیره اونگوچا برپا کرده، آتش مقدس را که از معابد خویش در هند آورده بودند، در این آتشکده روشن کردند. پس از انقلاب ۱۹۶۴م. زنگبار و اخراج انگلیسی‌ها از این جزیره، زرتشتیان نیز به‌تدریج از زنگبار مهاجرت کردند و آتشکده آن‌ها در اوایل دهه ۱۹۷۰م. خاموش شد و معبد و باغ این آتشکده نیز به محلی متروک مبدل گشت. در حال حاضر، تنها یک خانواده پارسی در زنگبار اقامت دارند. با این حال اعضای این خانواده هر سال مراسم عید نوروز را با آداب و رسوم خاص زرتشتی‌ها بر پای می‌دارند (مطالعات میدانی پژوهشگر، جزیره زنگبار، ۱۳۸۱).

منابع

- مطالعات میدانی و مشاهدات عینی تانزانیا و کنیا، ۱۳۸۱.

- Freeman Greenhill, g. s. (1963); *The Medieval History of the Coast of Tanganyika*; Clarendon Press.
- Mathooko mbatha p. and mudhune siundu, e (2001); "The shirazi and creation of an afro-asian Swahili civilization" in *historical role of Iranians (shirazis) in the east African coast*; Nairobi.
- Mohamad, a. a. Zanzibar (1994); *Facts, Figures & Fiction*; Zanzibar: alkhayria press, p. 22-3.
- Mwaka kogwa (2001); *The Swahili coast magazine*, no 4, Zanzibar.
- Prins .a. h. sailing from lamu. a study of Maritime culture in Islamic east Africa, Nairobi publisher von Gorcum, 1965.
- Sheriff, Abdul aziz (2001); "The historicity of the shirazi tradition along the east African coast", in *Historical Role of Iranians (shirazis) in the east African coast*; Nairobi.
- Trimmingham, spencer (1962); *Islam in east African*; oxford: clarendon press.



شاهچراغ





Shiraz
University

PERIODICAL
MELAL



No.5 - 2012



مسجد الاقصى - فلسطين